

در سخنرانی درواکنش به لایحه کاپیتولاسیون

۱۳۴۳ آبان

من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است... ایران دیگر عید ندارد... ما را فروختند، استقلال ما را فروختند... اگر من به جای این‌ها بودم این چراغانی‌ها را منع می‌کردم؛ می‌گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند... عزت ما پایکوب شد. عظمت ایران از بین رفت. عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند. قانونی در مجلس بردند... در آن قانون... مستشاران نظامی، تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندیهای فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، این‌ها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند! اگر یک خادم امریکایی، اگر یک آشپز امریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود آمریکا! آن‌جا در آمریکا ارباب تکلیف را معین کنند!... آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای بازرگانان ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می‌کنم! ای فضلا، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می‌کنم! (صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۱۵ تا ۴۱۹)

در پاسخ به استعفای جمعی از متدینندان تهران در باره رفتارندوم انقلاب سفید

۱۳۴۳ شهریور

اینان اگر برای ملت می‌خواهند کاری انجام دهند چرا به برنامه اسلام و کارشناسان اسلامی رجوع نکرده و نمی‌کنند تا با اجرای آن برای همه طبقات، زندگی مرفه تأمین شود و در دنیا و آخرت سعادت‌مند باشند... به نظر می‌رسد این رفتارندوم اجباری مقدمه برای از بین بردن مواد مربوط به مذهب است. علمای اسلام از عمل سابق دولت راجع به انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی برای اسلام و قرآن و مملکت احساس خطر کرده‌اند...» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۳۵)

بیانیه‌ها و سخنرانی‌های آتشین
امام در طلیعه انقلابآتش بر خرمن
وابستگی

در خلائی که پس از درگذشت آیت‌الله سیدحسین طباطبایی بروجردی، زعیم و مرجع عالیقدر شیعیان، جامعه ایرانی را فراگرفت امام خمینی(ره) خیلی سریع چشم‌های جستجوگر علمای شیعه و متدینین را به خود جلب کرد. یکی از دلایل این رویداد مواضع و سخنرانی‌های آتشین و بیان‌برافکن امام بود که در طی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ توسط ایشان اتخاذ و ایراد شد. در واقع امام در طی فاصله مهر ۱۳۴۱ تا آبان ۱۳۴۳ به نقشی بی‌بدیل در جامعه ایران دست یافت که به واسطه آن توانست ریشه‌های عمیق ۲۵۰۰ ساله نظم شاهنشاهی را از خاک سرزمین کهن ایران برکند.

در تذکراف به اسدالله علم درواکنش به
لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

۱۳۴۳ شهریور

اینجانب به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید، و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید؛ و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید؛ و الا علمای اسلام درباره شما از اظهار عقیده خودداری نخواهند کرد...» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۹۰)

روز عاشورا: در سخنرانی درواکنش به سخنران شاه علییه امام و علما

۱۳۴۳ خرداد ۱۳

... ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم؛ دست بردار از این کارها.... آیا روحانیون اسلام، این‌ها حیوانات نجس هستند؟ در نظر ملت، این‌ها حیوان نجس هستند که تو می‌گویی؟ اگر این‌ها حیوان نجس هستند پس چرا این ملت دست آن‌ها را می‌بوسد... آقا ما حیوان نجس هستیم؟... آقا! نکن این‌طور! بشنو از من؛ بشنو از روحانیین؛ بشنو از علمای مذهب؛ این‌ها صلاح ملت را می‌خواهند؛ این‌ها صلاح مملکت را می‌خواهند. ما مرتجع هستیم؟ احکام اسلام، ارتجاع است؟ آن هم «ارتجاع سیاه» است؟... آقا! این را به تو تزریق کردند که بگویند بهایی هستی، که من بگویم کافر است؛ بیرونت کنند. نکن این‌طور؛ بدبخت! نکن این‌طور... همه چیز را گردن تو دارند می‌گذارند. بیچاره!... ربط مابین شاه و اسرائیل چیست که سازمان امنیت می‌گوید؛ از اسرائیل حرف نزنید، از شاه هم حرف نزنید؛ این دو تا تناسبات چیست؟ مگر شاه اسرائیلی است؟ به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است؟ (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۴۳ تا ۲۴۸)

در سخنرانی پس از آزادی از حبس و حصر

۱۳۴۳ فروردین ۲۱

... الان تمام اقتصاد مملکت در دست اسرائیل است. عمال اسرائیل اقتصاد ایران را قبضه نموده‌اند؛ اکثر کارخانجات در دست آنها اداره می‌شود؛ تلویزیون، کارخانه ارج، پیسی کولا. دو هواپیمایی که قرار بود حجاج را به مکه ببرند مال اسرائیل بود... امروز حتی تخم مرغ از اسرائیل وارد می‌کنند. باید صف‌ها را فشرده کنید. اینها عمال استعمار هستند. باید ریشه استعمار را کند... چند روز است آزاد شده ام. فرصت مطالعه روزنامه نداشتم. در زندان فراغت داشتم و مطالعه می‌کردم تا اینکه روزنامه اطلاعات را به من دادند. من از آقایان گله دارم که چرا زودتر به من [اطلاع] ندادند. در این روزنامه کثیف اطلاعات، تحت عنوان «اتحاد مقدس»، در سرمقاله نوشته بودند که با روحانیت تفاهم شده و روحانیون با «انقلاب سفید» شاه و ملت موافق هستند! کدام انقلاب؟ کدام ملت؟ این انقلاب مربوط به روحانیت و مردم است؟!... خمینی را اگر دار بزنند تفاهم نخواهد کرد. با سرنیزه نمی‌شود اصلاحات کرد. با نوشتن «خمینی خائن» به دیوارهای تهران که مملکت اصلاح نمی‌شود! دیدید غلط کردید؟ دیدید اشتباه کردید؟ خاضع به احکام اسلام شوید ما شما را پشتیبانی می‌کنیم. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶۸ و ۲۶۹)

در نامه خطاب به علما برای تحریر و فراندن انقلاب سفید

۱۳۴۳ اسفند ۱۳

چنانچه اطلاع دارید دستگاه حاکمه می‌خواهد با تمام کوشش به هدم احکام ضروریه اسلام قیام و به دنبال آن مطالبی است که اسلام را به خطر می‌اندازد. لذا اینجانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر (ع) جلوس می‌کنم و به مردم اعلام خطر می‌نمایم. مقتضی است حضرات آقایان نیز همین رویه را اتخاذ فرمایند تا ملت مسلمان از مصیبت‌های وارده بر اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۴۲)

در پیام به علمادار و اکنش به فاجعه مدرسه فیضیه

۱۳۴۳ فروردین ۱۳

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ... حمله کماندوها و مأمورین انتظامی دولت با لباس مبدل و به معیت و پشتیبانی پاسبان‌ها به مرکز روحانیت خاطرات مغول را تجدید کرد. با این تفاوت که آن‌ها به مملکت اجنبی حمله کردند، و این‌ها به ملت مسلمان خود و روحانیون و طلاب بی‌پناه. در روز وفات امام صادق (ع) با شعار جاوید شاه به مرکز امام صادق و به اولاد جسمانی و روحانی آن بزرگوار حمله ناگهانی کردند و در ظرف یکی دو ساعت تمام مدرسه فیضیه، دانشگاه امام زمان صلوات الله و سلامه علیه را با وضع فجیعی، در محضر قریب بیست هزار مسلمان، غارت نمودند و درب‌های تمام حجرات و شیشه‌ها را شکستند... (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۴۲)